



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

رساله جهت اخذ مدرک دکتری

**منطق فهم قصص قرآنی بر اساس سه رویکرد تربیتی، تنزیلی و موضوعی
و مقایسه نتایج سه رویکرد در بازفهمی الگوی آینده نگار راهبردی**

نگارش:

رضوانه دستجانی

استاد راهنما:

دکتر عباس اشرفی

استادان مشاور:

دکتر احمد آکوچکیان

دکتر علی بنایی

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات و مبانی نظری پژوهش	۴
۱. بیان مسأله	۵
۲. اهمیت و ضرورت	۱۰
۳. مرور ادبیات و پیشینه مربوط	۱۲
۴. جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق:	۱۵
۵. اهداف تحقیق	۱۶
۱. ۵. هدف اصلی و آرمانی	۱۶
۲. ۵. اهداف مرحله ای و کاربردی	۱۶
۶. پرسشهای تحقیق:	۱۷
۱. ۶. سؤال اصلی	۱۷
۲. ۶. سؤالات فرعی	۱۷
۷. فرضیه های تحقیق:	۱۷
۸. تعریف واژه ها و اصطلاحات فنی و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی):	۱۸
۱. ۸. منطق فهم (روش شناسی):	۱۸
۲. ۸. قصص	۱۸
۳. ۸. ترتیبی، تزیلی و موضوعی	۱۹
۴. ۸. آینده نگاری	۱۹
۹. روش شناسی تحقیق:	۲۱
۱. ابزار و روش گردآوری اطلاعات	۲۳
۲. روش تحلیل داده ها	۲۴
۱۰. ساختار رساله	۲۴

۲۸	فصل دوم: مفهوم‌شناسی، قصص قرآنی در آینه آینده‌نگاری راهبردی
۲۹	۱. سرآغاز
۳۰	۱.۲. واژه‌شناسی قصص از منظر مؤلفه‌شناسی آینده‌نگاری
۳۰	۱.۲.۱. قصه از فلسفه دین تا فلسفه هنر
۳۸	۱.۲.۲. تعریف هنر و انواع زبان هنر
۳۸	۱.۲.۱. تعریف هنر
۴۱	۱.۲.۲. قصه یا زبان نمایش، از زبان‌های هنر
۴۳	۱.۲.۳. تعریف قصه
۴۴	۱.۳.۱. معنای لغوی و اصطلاحی قصص
۴۵	۱.۳.۲. مفهوم قصه در قرآن
۵۴	۱.۳.۳. انواع قصه‌های قرآنی
۵۵	۱.۳.۴. سنخ‌شناسی قصه‌های قرآنی از زوایای گوناگون
۵۹	۱.۴. جمع‌بندی
۶۲	۲.۲. نمایگان پیشرفت
۶۲	۱.۲.۲. دین
۶۵	۲.۲.۲. نمایگان پیشرفت
۶۵	۱.۲.۲.۱. واژه کلیدی: پیشرفت و ترقی
۷۰	۲.۲.۲.۲. واژگان کانونی
۷۰	۱.۲.۲.۲. تغییر
۷۲	۲.۲.۲.۲. تحول
۷۳	۲.۲.۲.۲. رشد
۷۵	۲.۲.۲.۲. توسعه
۷۷	۳.۲. تمدن و واژگان پیرامونی
۷۷	۱.۳.۲. تمدن
۸۰	۲.۳.۲. کنش تاریخی - تمدنی
۸۱	۳.۳.۲. سنت و سنت‌های الهی
۸۵	۴.۲. زمان
۸۷	۵.۲. جمع‌بندی
۸۹	۳.۲. آینده‌نگاری راهبردی

- ۲.۳.۱. واژگان کانونی؛ آینده‌نگاری راهبردی ----- ۸۹
- ۲.۳.۱. آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی ----- ۹۱
- ۲.۳.۱.۱. آینده‌پژوهی ----- ۹۱
- ۲.۳.۱.۲. آینده‌نگاری ----- ۹۵
- ۲.۳.۱.۳. نسبت آینده‌نگاری با آینده‌پژوهی ----- ۱۰۱
- ۲.۳.۲. راهبردی ----- ۱۰۴
- ۲.۳.۱.۱. تعریف راهبرد ----- ۱۰۴
- ۲.۳.۱.۲. ماهیت راهبرد ----- ۱۰۹
- ۲.۳.۱.۳. معیارهای راهبرد اثربخش ----- ۱۱۰
- ۲.۳.۱.۴. فرآیند شکل‌گیری راهبردی ----- ۱۱۲
- ۲.۳.۳. تعریف آینده‌نگاری راهبردی ----- ۱۱۳
- ۲.۳.۴. فرآیند آینده‌نگاری راهبردی ----- ۱۱۶
- ۲.۳.۲. واژگان کلیدی ----- ۱۱۹
- ۲.۳.۱. آینده‌نگاری و تفکر استراتژیک ----- ۱۱۹
- ۲.۳.۲. آینده‌نگاری و مدیریت استراتژیک ----- ۱۲۱
- ۲.۳.۳. آینده‌نگاری و مدیریت راهبردی ----- ۱۲۲
- ۲.۳.۲. آینده‌نگاری و پیش‌بینی ----- ۱۲۴
- ۲.۳.۵. آینده‌نگاری و چشم‌انداز ----- ۱۲۹
- ۲.۳.۶. جایگاه آینده‌نگاری در برنامه‌ریزی راهبردی ----- ۱۳۲
- ۲.۳.۳. جمع‌بندی مفاهیم ----- ۱۳۷
- ۲.۳.۴. پیش‌فرض‌ها و پیشینه پارادایم‌شناسی در آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری ----- ۱۳۸
- ۲.۳.۱. پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی ----- ۱۳۹
- ۲.۳.۴. پنج پارادایم پژوهش در آینده‌پژوهی ----- ۱۴۸
- ۲.۴. منطق فهم ----- ۱۵۱
- ۲.۴.۱. منطق فهم (روش‌شناسی) ----- ۱۵۲
- ۲.۴.۱.۱. فلسفه روش ----- ۱۵۴
- ۲.۴.۲. سامانه منطق‌های پیشادین‌شناخت ----- ۱۵۵
- ۲.۴.۳. روش‌ها ----- ۱۶۰
- ۲.۴.۱. رویکرد ترتیبی و نسبت آن با آینده‌نگاری راهبردی ----- ۱۶۰

- ۱۶۲ ----- ۲. ۳. ۴. ۲. رویکرد تنزیلی و نسبت آن با آینده‌نگاری راهبردی
- ۱۶۵ ----- ۲. ۳. ۴. ۳. رویکرد موضوعی و نسبت آن با آینده‌نگاری راهبردی
- ۱۶۶ ----- ۲. ۴. ۴. جمع‌بندی
- ۱۶۹ ----- ۲. ۵. تحلیل ساختاری گفتمان قصص از منظر مؤلفه‌شناسی آینده‌نگار
- ۱۷۳ ----- فصل سوم: رویکردها در تفسیر قصص (چشم‌اندازهای تفسیری به ورود قصص)
- ۱۷۴ ----- ۳. ۱. سرآغاز
- ۱۷۷ ----- ۳. ۱. ۲. فلسفه‌گزینش و بررسی داستان بنی اسرائیل
- ۱۸۰ ----- ۳. ۱. ۳. تحلیل آماری کاربرد قصه بنی اسرائیل در قرآن کریم
- ۱۸۲ ----- ۳. ۱. ۴. روش تحلیل
- ۱۸۵ ----- ۳. ۲. رویکرد ترتیبی قصص و نظریه آینده‌نگاری
- ۱۸۷ ----- ۳. ۲. ۱. مبانی پارادایمی نظریه قرآنی قصصی آینده‌نگاری راهبردی
- ۱۹۱ ----- ۳. ۲. ۱. ۱. مبانی فلسفه دینی
- ۱۹۹ ----- ۳. ۲. ۲. مبانی هستی‌شناختی
- ۲۴۷ ----- ۳. ۲. ۳. مبانی معرفت‌شناختی
- ۲۴۸ ----- ۳. ۲. ۳. ۱. مرور ادبیات معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری
- ۲۵۰ ----- ۳. ۲. ۳. ۱. ۲. اندیشه پیشرفت (ترقی)، مبنای معرفت‌شناختی آینده‌نگاری
- ۲۵۲ ----- ۳. ۲. ۳. ۱. ۳. مسائل معرفت‌شناسانه آینده‌نگاری
- ۲۶۶ ----- ۳. ۲. ۳. ۴. مبانی انسان‌شناسی
- ۲۶۸ ----- ۳. ۲. ۳. ۱. ۴. ماهیت انسان
- ۲۶۸ ----- ۳. ۲. ۳. ۲. ابعاد وجودی انسان و تأثیر آن بر ترسیم آینده مطلوب
- ۲۷۰ ----- ۳. ۲. ۳. ۳. عناصر انسان‌شناخت آینده‌نگاری
- ۲۸۴ ----- ۳. ۲. ۳. ۴. سامانه کلان انسان‌نگر آینده‌نگاری از چشم‌انداز ساحات وجودی انسانی
- ۲۸۶ ----- ۳. ۲. ۳. ۵. انسان‌شناسی توسعه
- ۲۸۸ ----- ۳. ۲. ۳. ۶. جمع‌بندی
- ۲۹۰ ----- ۳. ۲. ۲. الگوی مطلوب آینده‌نگاری راهبردی از منظر قصص
- ۲۹۲ ----- ۳. ۲. ۲. ۱. گام‌شناختی
- ۲۹۶ ----- ۳. ۲. ۲. ۲. گام نظریه‌پردازی
- ۲۹۶ ----- ۳. ۲. ۲. ۱. نظام اخلاقی - ارزشی
- ۳۰۳ ----- ۳. ۲. ۲. ۲. نظام تربیتی

- ۳۱۰ ----- ۳.۲.۲. نظام اجتماعی
- ۳۲۴ ----- ۳.۲.۳. جمع‌بندی فصل
- ۳۲۵ ----- ۳.۳. رویکرد تنزیلی و مرجعیت الگوی آینده‌نگار در قصص
- ۳۲۶ ----- ۱.۳.۳. فلسفه قصص در نظام تنزیلی
- ۳۲۶ ----- ۱.۱.۳. فلسفه تنزیلی
- ۳۳۳ ----- ۲.۱.۳. جایگاه قصص در نظام تنزیلی
- ۳۳۵ ----- ۲.۳.۳. نمونه قصص در نظام آینده‌نگار (تحلیل سال‌های نزول قرآن کریم)
- ۳۴۱ ----- ۱.۲.۳. داستان حضرت موسی(ع) و بنی اسرائیل در قرآن مکی
- ۳۴۱ ----- ۱.۱.۲. تحلیل کلی وضعیت دوران مکی
- ۳۴۷ ----- ۲.۱.۲. تحلیل دوره اول
- ۳۵۰ ----- ۳.۱.۲. تحلیل دوره دوم: بیدارسازی اعماق عناصر و ارکان:
- ۳۷۶ ----- ۲.۲.۳. داستان حضرت موسی(ع) و بنی اسرائیل در قرآن مدنی
- ۳۷۶ ----- ۱.۲.۳. شرایط مدینه
- ۳۸۸ ----- ۲.۲.۳. قصص قرآنی در مدینه
- ۳۹۷ ----- ۳.۳.۳. کارکرد قصص در نظام تنزیل
- ۴۰۲ ----- ۱.۳.۳. نظام‌شناسی آینده‌نگار راهبردی
- ۴۰۲ ----- ۱.۱.۳. ایجاد زمینه و تقویت اندیشه و تفکر
- ۴۰۳ ----- ۲.۱.۳. اندیشه‌پردازی به مثابه یک فرآیند کلان
- ۴۱۵ ----- ۳.۱.۳. الگوی مطلوب (ارزش‌ها)
- ۴۲۹ ----- ۱.۲.۳. چشم‌اندازسازی و بررسی افق‌های آینده (تصویرسازی و تصویرپردازی)
- ۴۴۳ ----- ۳.۲.۳. اصلاح و پایش مستمر فاعلان
- ۴۵۷ ----- ۴.۲.۳. جامعه‌سازی و امت‌سازی و توسعه سرمایه‌ها (دولت‌سازی)
- ۴۶۴ ----- ۱. تبیین مبانی پارادایمی
- ۴۶۴ ----- ۲. شیوه‌های گذر از حاکمیت طاغوت
- ۴۶۵ ----- ۳. آغاز مبارزه علنی با ایده‌های طاغوتی
- ۴۶۷ ----- ۴. جایگاه راهبری قرآن و پیامبر(ص) در ساخت ایده‌ها
- ۴۶۷ ----- ۵. عوامل و موانع رهایی از جامعه طاغوتی
- ۴۷۰ ----- ۶. انسان‌سازی: شکل‌گیری جامعه حداقلی مؤمنین
- ۴۷۰ ----- ۷. جامعه‌سازی: ظهور رسمی جامعه حداقلی موحدین

۴۷۱	۸. هجرت؛ گامی مهم در جهت حفظ هویت امت و تحقق دولت
۴۷۳	۳.۳.۲.۵. گفتمان‌سازی
۴۸۲	۳.۳.۳. جمع‌بندی فرآیند نظام‌شناسی تا نظام‌سازی آینده‌نگار راهبردی
۴۸۵	۳.۳.۴. کارکرد برنامه‌ای نظام تنزیلی
۴۸۶	۳.۳.۴.۱. یک نمونه کارکرد برنامه‌ای
۴۸۸	۳.۳.۵. جمع‌بندی نظریه آینده‌نگاری تنزیلی
۴۹۰	۳.۴. رویکرد موضوعی
۵۰۱	۳.۵. تناسب سه رویکرد
۵۰۵	فصل چهارم: اقتضانات روش‌شناسی قصص قرآنی در عرصه آینده‌نگاری (منطق فهم)
۵۰۶	۴.۱. سرآغاز
۵۱۰	۴.۲. وجوه گزاره‌ای در نظریه آینده‌نگاری
۵۱۳	۴.۲.۱. وجه فاعلی
۵۲۵	۴.۲.۲. وجه فعلی
۵۲۷	۴.۲.۳. وجه مفعولی
۵۲۹	۴.۲.۴. وجه قیدی
۵۳۴	۴.۳. بازبینی روش‌های موجود و رهسپاری به راهبرد منطقی مرجع پیشنهادی قصص و بهره‌آن در الگوی آینده‌نگار
۵۳۷	۴.۳.۱. فلسفه و ضرورت روش‌شناسی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری
۵۳۹	۴.۳.۲. جایگاه پارادایم آینده‌نگاری قرآن‌بنیان در میان پارادایم‌های موجود
۵۴۱	۴.۳.۳. روش‌شناسی فراترکیبی قرآن‌بنیان آینده‌پژوهی - آینده‌نگاری
۵۶۶	۴.۴. منطق‌های رویکردی
۵۶۶	۴.۴.۱. منطق پژوهش در فصل ترتیبی قصه پژوهی
۵۶۶	۴.۴.۱.۱. اصول نظام پردازی مطلوب
۵۶۷	۴.۴.۱.۲. اصول پژوهش نظریه‌ای
۵۷۳	۴.۴.۲. منطق پژوهش نظام تنزیلی
۵۷۵	۴.۴.۱. اصول روش
۵۷۶	۴.۴.۲. ترسیم سازوکاری
۵۷۹	۴.۴.۳. منطق پژوهش در نظام موضوعی
۵۸۴	فصل پنجم: نتیجه‌گیری: بهره‌های منطق آینده‌نگاری پیشنهادی قصص

مقدمه

دانش تفسیر همانند عرصه‌های دیگر معارف دینی، در دوره معاصر و مواجهه نصّ با دوره مدرن و پسامدرن و گذار از آن، در برهه یک چالش بزرگ پارادایمی و به طور خاص در سه حوزه فلسفه دینی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است. امروزه جریان‌های تفسیری، رویکردها، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری پیشین چونان کلامی و فلسفی و... توانمندی لازم را برای این گذار ناگزیر ندارند و هر کدام از آنها با چالش‌های متنوع و نقدهای گسترده‌ای روبرو هستند. کارکرد بخش‌های گوناگون آموزه‌های قرآنی و سنت اهل بیت (ع) چه در نمونه قصص و رخدادهای تاریخی گزارش شده در قرآن کریم و چه در سیره عملی اولیای معصومین، عرصه‌های حاجتمند تفسیر استنادی اصیل و کارآمدند. اینک نقش دین در آینده‌نگاری تمدنی، یک مسأله محوری و راهبردی پیش روی جهان نصّ در دوره معاصر است. اهمیت ارتقای روش‌شناسی تفسیری از سویی و ضرورت ایفای کارآمدی توسعه‌ای دین در جهان جدید، فراخوان به پروژه‌های پژوهشی نو هستند. بدینسان، این اثر پژوهشی با محوریت قصص قرآنی، به قصد برسازی آینده (آینده‌نگاری) و فرآوری امکان ظهور مدنیت و موقعیت تمدنی در جهان جدید اسلامی و ایرانی و ضرورت پیشنهاد روش‌شناسی‌ای که اقتدار توسعه‌ای دین را در جهان جدید تأمین کند، به میان می‌آید. در این راستا، ساختار تحلیلی پژوهش پیش رو در پاسخ به چهار سؤال پیوسته و مترتب بر یکدیگر شکل می‌گیرد. چهار سؤال یاد شده، نشانه چهار قسم شبکه در عنوان این اثر است:

۱- برجسته‌ترین فصل آموزگاری آینده‌نگاری دینی، رخدادهای تاریخ تمدنی و به طور خاص، قصص هستند. خواهانی آینده‌نگاری به مدد قصص، اصلی بنیادین در مبانی فلسفه دین (نظام انتظار از دین و نیاز به دین) است. پژوهش کارکرد آینده‌نگار از قصص تمدنی، یک ساحت راهبردی نه فقط در حوزه پژوهش هنجارین، بلکه در حوزه تحقیق و توسعه‌ای نیز هست.

ویرایش فلسفه دینی از خواهانی آینده‌نگاری راهبردی، فصل قصص قرآنی را پیش رو می‌گذارند که البته و به ناگزیر، روش‌شناسی و منطق فهم این قصص، اولین لازمه ایفا و تحقق آن خواهانی است. اصلی‌ترین شبکه مفهومی درون این پژوهش که حیث معرفت‌شناخت این پژوهش را رقم می‌زند، در این ساحت شکل می‌گیرد. آینده‌نگری تا آینده‌نگاری، فلسفه قصه قرآنی است.

۲- عرصه‌های مرسوم تفسیر قرآن کریم، سه حوزه پژوهش مسأله محور ترتیبی، مسأله محور تنزیلی و مسأله محور موضوعی است. به عبارت دیگر:

- آموزه های درونی قصص، در ضمن ساختهای گوناگون مفهومی و ترتیبی، در فرآوری اصل نظریه تمدنی و آینده‌نگار، چه کارکردی دارند؟

- نظام تنزیل چه نظام برنامه‌ای را برای آفریدگاری تمدنی پایدار، پیش رو می‌گذارد؟ فرآیندهای تغییر اجتماعی به قصد برسازی وضعیت تمدنی برای جامعه هدف چیست؟

- موضوعات مسأله‌ای در ضمن نظام‌های گوناگون نظری تا کاربردی در ذیل پژوهش قصص، نقطه‌های شبکه‌ای آن دو سامانه مفهومی و برنامه‌ای را چگونه شکل می‌دهند؟ بازخوانی سه نظام پژوهش یاد شده، اولین برشی است که می‌توان در شناخت روش‌شناسی تفسیر قصص و تفسیر تمدنی کارگشای برنامه پژوهش باشد.

اصلی‌ترین شبکه مفهومی درون این پژوهش که حیث نظام تحقیق این پژوهش را رقم می‌زند، در این ساحت شکل می‌گیرد.

۳- از خلال سه نظام تفسیر ترتیبی، تنزیلی و موضوعی با لحاظ آخرین تجربیات در حوزه فلسفه روش، چه منطق فهم و روش‌شناسی بایسته و پیشینی آینده‌نگاری راهبردی برمی‌آید؟ مطالعات پسینی متون تفسیری و جریان‌های تفسیری، به ناگزیر سطحی از روش‌شناسی تاریخ‌پژوهی و تمدن-پژوهی به مدد قصص قرآنی را آموخته‌اند؛ لیکن و اما به گونه‌ای عمومی، رویکرد آینده‌نگار از این رویکردها و روش‌های تفسیری غایب است.

الگوی عمومی این روش‌شناسی، در این گام به دست می‌آید و اینک می‌توان از منطق فهم قصص قرآنی در فرآوری الگوی آینده‌نگار راهبردی سخن گفت. برش پیشین در روش‌شناسی فهم می‌تواند در ساختاردهی به روش‌شناسی یاد شده، کمک کند. اصلی‌ترین وجه پژوهش از قصص

قرآنی درون این پژوهش که ساحت روشی این پژوهش را رقم می‌زند، در این ساحت شکل می‌گیرد.

۴- گام چهارم این پژوهش، پرسش از کارکردهای این منطق آینده‌نگار است. فهم آینده‌نگار قصص قرآنی به مدد آن منطق فهم مرجع، چه بهره‌هایی را در توسعه اجتماعی و تحول انسانی تا تمدنی می‌تواند داشته باشد؟

این گام از رساله، بهره‌های زیر را پیش رو می‌گذارد:

- فرآوری نظام جامع روش‌ها و ویرایش تازه‌ای از ساحت فلسفه روش تا فلسفه اصول

- پیشنهاد یک سامان تازه برای تفسیر قرآن کریم

- جریان در عرصه نظریه‌پردازی هنر و به طور خاص هنرهای نمایشی و قصه‌پردازی و از این

رهگذر، بازخوانی نظام گفتمانی

- پیشنهاد ویرایش تازه‌ای از نوع مناسبات سه رویکرد تفسیری ترتیبی و تنزیلی و موضوعی و

جایگاه هر کدام در منطق فهم دین و قرآن کریم

- امکان بازآفرینی نوع تازه‌ای از تجربه هنر به طور خاص در حوزه قصه‌نگاری و رمان‌نویسی

نمونه این بهره‌ها، به مدد روش‌شناسی برگزیده در سومین گام، ارکان الگوی آینده‌نگار راهبردی

را از چشم‌انداز قصص قرآنی بازتعریف می‌کند.

فصل اول: کلیات و مبانی نظری پژوهش

۱. بیان مسأله

قرآن کتاب هدایت و فرآیند تغییر است؛ فرآیندی که در قرآن کریم با تعبیر «بیرون آوردن انسان‌ها از تاریکی و حرکت دادن آن‌ها به سوی نور و روشنایی» یاد شده است. اعتقاد به ترقی حاکمی از این است که اوضاع بر مدار مکتب برگزیده زیستی خویش در آینده، بهتر از این خواهد شد و می‌تواند در چارچوب حرکتی آگاهانه و هدفدار، نظام‌مند، برنامه‌ریزی شده، تکاملی و رو به جلو، همه‌جانبه، جمعی، مستمر و متداوم، بر بنیان خرد و دانشی راهبرنده، راهبری شود. بر همین اساس، مقوله پیشرفت با نظر به عینیت آن در متن موقعیت‌های زمانی و مکانی، نیازمند الگوی معین با رویکرد آینده‌نگری و آینده‌نگاری است.

انسان امروزی، سال‌های آغازین هزاره سوم را در حالی تجربه می‌کند که با جهانی بی‌ثبات، غیرقطعی، پیچیده و مبهم مواجه است. اگرچه گستره علم و فناوری انسان معاصر با گذشته قابل مقایسه نیست، توانایی جامعه برای رویارویی با آینده همچنان ضعیف است. دیگر، پیش‌بینی‌های خطی پاسخ‌گوی نیازهای پرتلاطم زندگی بشر نیستند و مدل‌های غیرخطی نیز کارایی همراهی زمان حال تا آینده را ندارند. سازمان‌ها و افراد باید از عدم قطعیت‌های پیش رو استقبال کنند تا با واقع‌بینی و خلاقیت به تفکر و برنامه‌ریزی پردازند. پیشرفت‌پژوهی آینده‌نگار نه فقط با دانسته‌ها، بلکه با گمان‌ها و عدم قطعیت‌ها سروکار دارد و می‌کوشد تا با آمیختن گمان و یقین، افق‌های پیشرفت بشر را به کاراترین شکل ممکن تصویر کند و به انسان این امکان را ببخشد که با وجود پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آینده، روایت‌های زندگی خود را، انتخاب نماید.

هر مکتب و رویکرد مدعی رشد و پیشرفت، بایستی در راستای نظریه پیشنهادی خویش، منطق مدیریت زمان و برنامه‌ریزی تغییر و تحول مطلوب را پیش روی مخاطب خود قرار دهد تا مخاطب بتواند در راستای الگوی برگزیده سبک زندگی خویش، شالوده زندگی فردی، مدنیت اجتماعی و

تمدنی مطلوب خود را پایه گذاری کرده و به پیشرفت برسد. بیشترین حجم کمی آموزه‌های قرآن کریم به جهت دستیابی به رشد و هدایت، در قصه‌های قرآن است.

قصه قرآنی یک منظومه گفتمانی است که رویدادهای مؤثر در تحول فرد، جامعه و تمدن را پیش رو می‌گذارد و هدف آن قرار دادن مخاطب در موقعیتی است که با انتخاب و اختیار خود در مسیر رشد قرار گیرد تا آینده خود، جامعه و تمدن را در سمت و سوی آرمان الهی رقم زند. با تصویر گفتمانی قصص قرآنی، شایدها و نشایدها و بایدها و نبایدهای قابل آزمون در هر موقعیت زیستی در زندگی فردی و اجتماعی پیش روی انسان قرار می‌گیرد.

توجه به قصص نوعی برنامه ریزی آگاهانه را در بینش و رفتار و عملکرد پیش رو می‌گذارد. قصص قرآنی از سه رویکرد قابل تحلیل هستند:

الف. در رویکرد ترتیبی، دستیابی به سنت‌ها و دریافت میزان نسبت آنها با نوع موقعیت معین مدنظر است. فهم قصه‌ها بر اساس این رویکرد، فهم جایگاه نسبت سنت با موقعیت است.

ب. در رویکرد تنزیلی، تحلیل استنتاجی سنت‌ها (قوانین حاکم بر موقعیت) در قصه‌ها نه از منظر نسبت سنت با موقعیت، بلکه از منظر نسبت موقعیتی با موقعیت دیگر (رابطه موقعیت‌ها با یکدیگر) مدنظر است تا بتواند مایه‌های تدوین قوانین برنامه توسعه‌ای را در اختیار قرار دهد و مخاطب ظرفیت افزون تری برای مشارکت در موقعیت تاریخی رخ نموده برای خویش بیابد تا افزون بر درک علیت‌های مرحله‌ای، علیت‌های مشترک فرآیندی (راهبرد به ایده آینده‌نگاری) نیز در فاهمه مخاطب اتفاق بیفتد.

پ. بر اساس رویکرد موضوعی، دستیابی به موضوعات توسعه‌ای راهبردی از منظر قصه‌های قرآن کریم.

یکی از موضوعاتی که بدان باید پرداخت این است که آیا در بینش قرآن و به طور خاص، قصص قرآنی، تاریخ بشری سنت‌هایی دارد؟ آیا سنت‌ها و قوانینی هست که بر مسیر و حرکت و تحولات آن حاکم باشد؟ این سنت‌ها کدام است؟ تاریخ بشر چگونه آغاز شد، بالید و تحول یافت و نقش انسان در حرکت‌های تاریخ چیست؟ بر این اساس، به مدد قصص قرآنی، تجربه‌های مورد آزمون آینده‌نگاری در سه لایه تحلیلی شکل می‌گیرد:

۱. در لایه بینش تاریخی و به تعبیری دقیق‌تر لایه بینش حادثه‌ای، داده‌های قابل بررسی اصل حادثه، واقع‌بینی می‌شوند. در این مرحله، روایات، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۲. در لایه حرکت‌نگری، حادثه‌ها به قطعه‌های علی حرکت، بازتعریف می‌شوند. در عین آن‌که، روش روایت‌گری قرآن، همواره از اصالت، قدرت و نوآوری برخوردار است. شهید صدر، از همین چشم‌انداز، سنت‌های اجتماعی را در بحث نگاه موضوعی (تفسیر موضوعی) به قرآن مورد تحلیل قرار داده که نمونه آن در کتاب سنن تاریخی ترسیم شده است.

۳. و سپس در لایه سناریونویسی مجدد، به مدد بازخوانی سنت‌ها و ضابطه‌ها و قوانین حاکم بر حرکت تاریخ، عبرت‌های مدنظر قصص، برگرفته شده و پیشنهاد می‌شود. از همین رو، ادبیات قصه-های قرآنی، سرشار از عبرت‌های قابل تعمیم بر نمونه‌هایی است که ممکن است در هر موقعیتی برای هر انسانی رخ دهد.

نگاه به آینده از دیرباز مورد توجه و علاقه بشر بوده است و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که به نحوی از حوادثی که در پیش روی دارد آگاه گردد و بر آن تأثیر گذاشته، آن را در جهت خواست خود در اختیار بگیرد. جهان در عرصه‌های مختلف دینی، فرهنگی، علمی، فنی، اجتماعی، اقتصادی و ... در حال تغییر و دگرگونی است و نرخ این تغییر در چند دهه گذشته رشد چشم‌گیری داشته و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی این روند همچنان با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند. طبیعی است برای مدیریت امروز و برنامه‌ریزی فردا، درک سازوکارهای تحولات، هماهنگ شدن با آن‌ها و حتی جلوتر از آن‌ها حرکت کردن لازمه آینده پژوهی است؛ پدیده‌ای که فی‌نفسه ارزشمند است. نوع نگاه و تصویری که افراد از آینده دارند؛ امکان، چگونگی شناخت و نحوه مهار و به خدمت‌گیری آن را مشخص می‌کند. سوال اینجاست که آیا بشر به گونه‌ای آفریده شده که همواره محکوم آینده باشد و یا میتواند چنان اندیشه و عمل کند که مخدوم آینده شود؟

آینده‌نگری عبارت است از نگاه مطلوب ما به آینده که چگونه آن را فرض کنیم، ولی آینده-پژوهی یعنی اکتشافی صورت می‌گیرد که در آینده چه اتفاق‌هایی خواهد افتاد. از این رو، آینده‌نگاری علم ساختن آینده، به‌طور آگاهانه و فعال است و با اتکاء به موضوعات مهم و معطوف به آینده،

فرصت‌های ارزنده و بسترهای مناسبی را برای ترسیم وضعیت مطلوب تمدن نوین اسلامی فراهم می‌کند (آینده‌نگاری وجه کاربردی مطالعه آینده است).

صاحب‌نظران معتقدند در حوزه مطالعات آینده ما چند موج را سپری کرده‌ایم و دنیای امروز نیازمند موج جدیدی است، موجی که در آن آینده‌پژوهی بتواند در تمامی حوزه‌های مختلفی که ادعای کارکرد در آن‌ها را دارد، یاری برساند. مطالعات قرآنی می‌تواند این موج جدید را بیافریند. در این عرصه دانشی به نظر می‌رسد مطالعات قرآنی به دو دلیل باید مدنظر باشد:

۱- علوم انسانی آینده‌نگار بدون توجه به قرآن ابتر است. حوزه آینده‌پژوهی نیز چون در ذیل مطالعات علوم انسانی قرار می‌گیرد، نیازمند مطالعات قرآنی است؛

۲- از سوی دیگر روش‌شناسی قرآن و روایت در تصویرپردازی از آینده بسیار مهم است و فهم آن می‌تواند در ساخت روش‌های آینده‌نگرانه قرآن‌بنیان مؤثر باشد.

دیدگاه اسلام بر این است که انسان می‌تواند آینده را خلق کند. رساله پیش‌رو با بازتحلیل مفهوم و ساختار آینده‌نگاری راهبردی بر آن است که فهم قصص قرآنی بر اساس سه رویکرد گفته شده، منطق مبنا و مرجع الگوپردازی آینده‌نگاری راهبردی برای دستیابی به انسان، جامعه و تمدن آرمانی دارد. به تعبیری دیگر، برای دستیابی به رشد و پیشرفت، رویکرد آینده‌نگار ضرورت دارد که بتواند منطق آن را به مدد منطق فهم قصص فرآوری نمود. فراگرد پیشرفت، فراگرد پیچیده است که باید در ورای نسل و عصرها دنبال شود. همواره مسائل راهبردی و کلان‌کشور را باید در بعد زمان ملاحظه کرد. زیرا اهداف راهبردی چون پیشرفت، در قالب برنامه‌های بلندمدت از حال تا آینده دور، برنامه‌ریزی می‌شوند. توجه به کارکرد دانش آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، ضرورت توجه به این منطق مرجع را پیش رو قرار می‌دهد.

اعتقاد به ترقی حاکمی از این است که اوضاع در آینده به مفهومی بهتر از این خواهد شد و می‌تواند در چارچوب حرکتی آگاهانه و هدفدار، نظام‌مند، برنامه‌ریزی شده، تکاملی و رو به جلو، همه-جانبه، جمعی، مستمر و متداوم، بر بنیان خرد و دانشی راهبرنده، راهبری شود. بر همین اساس، مقوله پیشرفت، نیازمند الگوی معین با رویکرد آینده‌نگری و آینده‌نگاری است. هر مکتب و رویکرد مدعی رشد و پیشرفت، بایستی منطق مدیریت زمان و برنامه‌ریزی تغییر و تحول مطلوب را پیش روی